

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

مرحوم حائری در هفت اشکال، تحلیل صاحب جواهر درباره حکمت بودن رفع تخاصم در اشتراط اذن امام معصوم، در وجوب نماز جمعه را نقد می‌کند. وی تخاصم را امری دائمی یا غالب نمی‌شمارد. همچنین می‌گوید مفسده‌ی ترک نماز جمعه بزرگ‌تر از مفسده‌ی نزاع است و نزاع و تخاصم، ناشی از سوء اختیار مردم است، لذا نمی‌تواند ملاک حکم شارع قرار گیرد. او تأکید می‌کند که حتی اگر رفع تخاصم حکمت باشد، وجوب نصب امام جمعه از سوی حاکم مطرح است، نه تعطیلی نماز جمعه. همچنین ضرورت وجود امام نیز مبتنی بر نصوص قطعی است، نه صرفاً رفع تخاصم.[1]

در پاسخ به اشکال هفتم این مطلب بیان شد که همان‌طور که حضرت زهرا (س) فرموده‌اند: «و طاعتنا نظاما للملّة، و إمامتنا أمانا من الفرقة» [2]، وجود امام برای ایجاد نظم و وحدت امت ضروری است؛ و محور تحقق امنیت اجتماعی و دینی به شمار می‌آید، بنابراین نمی‌توان تاثیر امام را صرفاً در برقراری عدالت الهی و تبیین دین دانست.

پاسخ به اشکالات مرحوم حائری

ولایت امام معصوم در نصب امام جمعه

در پاسخ به اشکال مرحوم حائری مبنی بر اینکه نصب امام برای اقامه‌ی نماز جمعه صرفاً برای رفع خصومت است باید بر این مطلب تأکید کنیم که نصب امام جمعه برای اقامه‌ی نماز جمعه از سوی امام معصوم از شئون ولایت امام معصوم (ع) به شمار می‌آید. همان‌گونه که اعلام جنگ و صلح از شئون ولایت است، اقامه‌ی نماز جمعه نیز در محدوده‌ی همین ولایت قرار دارد. از این‌رو، هنگامی که امام معصوم یا منصوب از جانب او نباشد، این مقام به دیگری منتقل نمی‌شود. همان‌گونه که در باب تصرف در مال مجهول‌المالک، اجازه‌ی فقیه جامع‌الشرايط شرط صحت تصرف است و بدون اذن او کسی حق اقدام ندارد، در نماز جمعه نیز ولایت امام معصوم شرط تحقق آن است. بنابراین، شرطیت حضور امام در واقع به بازگشت ولایت او بر این عبادت معنا می‌شود.

بنابراین صرف‌نظر از آن‌که آیا برای زمان غیبت اذن عامی از سوی معصوم صادر شده است یا خیر، اصل ولایت امام بر این عبادت قطعی است. بر این اساس، نمی‌توان حقیقت این شرط را تا حدّ رفع نزاع و جلوگیری از اختلاف تنزل داد؛ به این معنا که گفته شود پیامبر (ص) و خلفا امام جمعه را تعیین می‌کردند تا از منازعه جلوگیری شود. به تعبیر صاحب جواهر، اگر هم رفع نزاع در برخی موارد حاصل می‌شده، این صرفاً یکی از آثار یا حکمت‌های نصب است، نه علت و فلسفه‌ی اصلی آن.

در باب قضا نیز چنین است. قاضی همانند طبیب نیست که صرفاً تشخیص دهد و نسخه صادر کند، بلکه بر حکم خود ولایت دارد. از این‌رو، اگر قاضی حکمی صادر کند، حکم او نافذ است، حتی اگر یکی از طرفین بداند قاضی اشتباه کرده است. به عنوان نمونه، اگر قاضی حکم کند که خانه‌ای متعلق به زید است، حکم او تا زمان نقض از سوی خودش لازم‌الاجراست، هرچند در واقع خانه متعلق به عمرو باشد. بنابراین، قضا در حقیقت «ولایت بر حکم» است.

نتیجه آن که شرطیت امام عادل در نماز جمعه به دو امر بازمی‌گردد؛ نخست آن که امامت جمعه از شئون ولایت امام معصوم است، و دوم آن که امام بر این عمل عبادی ولایت دارد. چنان که در جهاد ابتدایی، اعلام جنگ از شئون امام معصوم دانسته شده و فقها تصریح کرده‌اند که در عصر غیبت جهاد ابتدایی معنا ندارد، در باب نماز جمعه نیز همین منطق جاری است. بدین سان، اقامه‌ی نماز جمعه از شئون خاص امام معصوم است و تحقق آن در پرتو ولایت او معنا پیدا می‌کند.

ترک نماز جمعه موجب تفویت مصلحت است نه مفسده

مرحوم حائری در اشکال سوم می‌گوید برتری مفسده‌ی نزاع بر مفسده‌ی ترک نماز جمعه ثابت نیست؛ زیرا ترک این فریضه‌ی بزرگ خود مفسده‌ای سنگین‌تر دارد، و بدون دلیل نمی‌توان رفع تخاصم را علت یا حکمت اشتراط دانست.[3]

در پاسخ باید گفت اگر امر به شیء را مقتضی نهی از ضد بدانیم، آری، می‌توان گفت ترک نماز جمعه مشتمل بر مفسده است. اما بنا بر مبنای مشهور که امر به شیء را مستلزم نهی از ضد نمی‌دانند، تنها انجام نماز جمعه دارای مصلحت است، و ترک آن صرفاً موجب از دست رفتن مصلحت (تفویت المصلحه) می‌شود، نه تحقق مفسده. بنابراین، ادعای وجود مفسده در ترک نماز جمعه وجهی ندارد.

جمع بندی دلیل سیره بر شرطیت امام معصوم در صحت نماز جمعه

در مجموع، تمام اشکالات مرحوم حائری بر دلیل نخست، یعنی اجماع قولی، پاسخ داده شده است. ایشان حدود ده اشکال نسبت به استناد به اجماع قولی مطرح کرده‌اند که با تحلیل دقیق، هیچ‌یک از آن‌ها باقی نمی‌ماند و این دلیل همچنان قابل استناد است.

پس از اجماع، نوبت به بررسی دلیل دوم، یعنی «سیره» رسید. مرحوم حائری چهار اشکال نسبت به استناد به سیره بیان کرده‌اند که مهم‌ترین آن اشکال «راده‌عیت» بود. این اشکال‌ها به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت و پاسخ همه آن‌ها ارائه شد.

دیگر از اشکالات حائری، مبتنی بر این بود که سیره‌ی مورد استناد، ناظر به رفع تخاصم و جلوگیری از اختلاف میان مردم است. در پاسخ روشن شد که چنین تفسیر محدودی از سیره صحیح نیست؛ زیرا سیره‌ی مسلمانان در تعیین امام جمعه از سوی امام عادل، برخاسته از مبنای «نصب از سوی حاکم شرعی» است نه صرفاً مصلحت رفع نزاع.

نتیجه آن که سیره‌ای قطعی و مستمر از زمان پیامبر اکرم (ص) تا دوران شیخ طوسی وجود داشته است. این سیره در طول چند قرن، بدون هیچ ردع یا مخالفتی از سوی ائمه (ع) استمرار یافته است. البته در تطبیق مصادیق اختلاف‌هایی پدید آمده است؛ چنان که در مواردی مانند اعلان جنگ یا تعیین اول و آخر ماه، با وجود آن که این امور به «ید الامام» است، در عصر سلطه‌ی سلاطین جور، ناچار بر شرایط موجود تطبیق شده است. با این حال، در اصل کبری، یعنی اینکه نصب امام جمعه از شئون امام یا حاکم است، اتفاق نظر وجود دارد.

بر اساس این سیره‌ی مستمره‌ی شرعیه و متشرعه، نصب امام جمعه همواره از سوی حاکم یا خلیفه، و بر مبنای عقیده‌ی شیعه، از سوی امام معصوم (ع) صورت گرفته است. بنابراین، در عصر غیبت که امام معصوم (ع) یا منصوب از جانب او در دسترس نیست، شرط مزبور تحقق نمی‌یابد و به تبع آن، وجوب تعیینی اقامه‌ی نماز جمعه منتفی می‌شود. برخی فقها یا را فراتر نهاده و عدم مشروعیت آن را در چنین حالتی مطرح کرده‌اند، اما قدر متیقن آن است که وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت ثابت نیست.

طرح دلیل سوم از سوی محقق همدانی

مرحوم محقق همدانی در مصباح الفقیه، پس از ذکر اجماع، مطلبی را به عنوان مؤید آن بیان کرده است. به نظر مرحوم حائری،

این مطلب در واقع مؤید اجماع نیست، بلکه خود دلیلی مستقل بر عدم وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت به شمار می‌آید.

تبیین دلیل

به باور محقق همدانی، وجود اختلاف‌های فراوان و جدی میان فقها درباره وجوب نماز جمعه در عصر غیبت، خود نشانه‌ای روشن از عدم وجوب تعیینی آن است؛ زیرا بنابر قاعده‌ی عقلایی و جریان عادت، اگر نماز جمعه واجب تعیینی در عصر غیبت بود، باید همانند سایر فرائض یومی، از ضروریات دین به شمار می‌آمد و هیچ اختلافی در آن وجود نداشت.

مؤید تاریخی بر عدم وجوب تعیینی حتی در عصر حضور

وی در ادامه، شواهدی تاریخی برای تأیید مدعای خویش ارائه می‌کند و می‌گوید: در زمان پیامبر اکرم (ص) نیز وجوب نماز جمعه بر همه‌ی مسلمانان، وجوبی تعیینی و عمومی نبوده است. اکثر مسلمانان ساکن روستاها و نواحی دور از مدینه امکان حضور در نماز جمعه را نداشتند. اگر وجوب تعیینی شامل آنان نیز می‌شد، لازم بود پیامبر برای آنان فرستادگانی بگمارد تا دستور حضور در نماز جمعه را ابلاغ کنند، همان‌گونه که در باب زکات چنین کرد. اما روشن است که چنین ابلاغی صورت نگرفت.

مرحوم همدانی در تأیید این نکته می‌گوید: اگر نماز جمعه واجب تعیینی عام بود، این حکم به قدری آشکار می‌شد که حتی زنان و کودکان نیز از آن آگاهی می‌یافتند؛ زیرا امور واجب تعیینی و عمومی، مانند روزه یا زکات، در جامعه اسلامی به سطح ضروریات دین می‌رسند و جهل نسبت به آن‌ها ممکن نیست. پس معلوم می‌شود وجوب تعیینی نماز جمعه نه در زمان حضور پیامبر (ص) و نه در زمان غیبت، تحقق نداشته است. [4]

نتیجه استدلال محقق همدانی

بنابراین دلیل مورد اشاره‌ی مرحوم همدانی دو نکته را در بر دارد، نخست آن‌که اختلاف گسترده‌ی فقها در این مسئله، خود نشانه‌ی عدم وجوب تعیینی در عصر غیبت است؛ و دوم آن‌که حتی در عصر حضور نیز وجوب تعیینی عمومی برای همه‌ی مسلمانان ثابت نبوده است. بنابراین، اگر در زمان پیامبر (ص) چنین وجوبی برای همه وجود نداشته، در زمان غیبت به طریق اولی نمی‌توان به وجوب تعیینی حکم کرد.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] صلاة الجمعة (حائری)، صص 93-94.

[2] الاحتجاج، ج 1، ص 258.

[3] صلاة الجمعة (حائری)، 94.

[4] « وما نحن فيه من هذا القبيل بل يكفي في الجزم بعدم الوجوب في مثل المقام وجود خلاف يعتد به فيه لقضاء العادة بأنه لو كانت الجمعة بعينها واجبة على كل مسلم لصارت من الصدر الأول من زمان النبي صلى الله عليه وأهله كغيرها من الفرائض اليومية من ضروریات الدین فان غالب المسلمين من أهل البوادي والقرى في أغلب أوقاتهم لم يكن يمكنهم حضور الجمعة التي يقيمها السلطان أو منصوبه فلو كان تكليفهم الجمعة عينا لبين لهم النبي صلى الله عليه وآله من صدر الاسلام كغيرها من الفرائض ولأقاموها في كل جمعة فلم يكن يختفي ذلك على نسائهم وصبيانهم فضلا عن أن يشتهر القول بعدم وجوبها أو عدم شرعيتها بين الخاصة والعامة » (مصباح الفقيه (ط.ق)، ج 2، ص 437).

منابع

آقا رضا الهمدانی، مصباح الفقيه (ط.ق)، تهران، انتشارات مکتبه النجاش، بی‌تا.

حائري، مرتضى، صلاة الجمعة (حائري)، قم - ايران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1418.
طبرسي، احمد بن علي- موسى خراسان، محمداقر، الاحتجاج، نشر المرتضى، 1403.